

[توضیح بیشتر کلام مرحوم امام 1](#_Toc504270458)

[وجه اول عدم جریان استصحاب معارض: انحلال علم اجمالی 1](#_Toc504270459)

[وجه دوم: مخدوش بودن استصحاب کلی و فرد 2](#_Toc504270460)

[فرض معلوم التاریخ موافق با حالت سابقه معلومه 3](#_Toc504270461)

**موضوع**: شک در تقدم و تأخر /تنبیه یازدهم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در بررسی کلام مرحوم امام در جریان استصحاب در توارد حالتین بود.

###### توضیح بیشتر کلام مرحوم امام

در مورد توارد حالتین متضادین با علم به حالت سابقه، مرحوم امام در مورد عدم جریان استصحاب معارض[[1]](#footnote-1) در دو صورت اول (مجهولی التاریخ و معلوم التاریخِ موافق با حالت معلومه) دو وجه ذکر فرمودند.

وجه اول عدم جریان استصحاب معارض: انحلال علم اجمالی

محصل وجه یا تقریب اول که قبلا گذشت این بود که در صورت علم به حدث سابق بر حالتین متضادین، (فرض مجهولی التاریخ) ممکن است ادعا شود که علم اجمالی به طروّ حدث دوم، قبل یا بعد از وضو، وجود دارد و لذا اگرچه حدث اول، نقض شده است، لکن استصحاب بقاء حدث معلوم بالاجمال جاری است.

این ادعا صحیح نمی باشد؛ چرا که این علم اجمالی به یک علم تفصیلی و یک شک بدوی منحل می شود. از آن جا که نسبت به حدث اول، علم تفصیلی وجود دارد و خواب دوم هم فقط در صورت تحققش بعد از وضو، ایجاد حدث می کند، پس در واقع یک علم تفصیلی به حدث اول و یک شک بدوی در تحقق حدث دوم وجود دارد و این همان، انحلال حکمی علم اجمالی است.

با توجه به این مطالب، استصحاب در ضد حالت سابقه (استصحاب طهارت)، بدون معارض جاری می شود.

مطلبی که ذکر شد، در مورد فرض معلوم التاریخِ موافق با حالت سابقه نیز می آید.

وجه دوم: مخدوش بودن استصحاب کلی و فرد

وجه دیگر عدم جریان استصحاب معارض این است که استصحاب معارض یا استصحاب فرد است یا کلی.

مشکل استصحاب فرد این است که مردد بین دو فردی است که در هیچ یک، ارکان استصحاب تمام نیست؛ چرا که مردد بین مقطوع الارتفاع و مشکوک الحدوث است. برای مثال در جایی که علم به حدث صبح و نیز علم به تحقق خواب و وضو در ساعت 11 و 12 دارد (بدون علم به تقدم و تأخر)، استصحاب فرد حدث، مردد است بین حدث اول که قطعا با وضو مرتفع شده است و بین حدث دوم که مشکوک الحدوث است؛ چرا که این خواب دوم در صورتی تولید حدث می کند که بعد از وضو بوده باشد.

مشکل استصحاب کلی نیز این است که از قبیل نوع سوم استصحاب کلی قسم ثالث است که بدترین نوع استصحاب کلی قسم ثالث بوده و وجه بطلانش واضح است.

توضیح، این که استصحاب کلی قسم ثالث، سه نوع دارد:

الف. احتمال می دهیم، مقارن وجود زید در اتاق، عمرو هم در اتاق بوده است و لذا بعد از خروج زید از خانه، شک در وجود انسان در خانه می کنیم.

ب. احتمال می دهیم که مقارن خروج زید، عمرو وارد اتاق شده است.

ج. علم به خروج زید داریم و احتمال می دهیم که بعد از گذشت زمانی، عمرو داخل اتاق شده است، بطلان این نوع سوم، خیلی واضح است؛ چرا که بین دو فرد، فصل زمانی اتفاق افتاده است.

در مورد بحث نیز احتمال می دهیم که بعد از زوال حدث صبح و بعد از گذشت زمانی، حدث دیگری صادر شده باشد و لذا استصحاب کلی حدث در این جا، از قبیل نوع سوم استصحاب کلی قسم ثالث است که جاری نیست.

نکته: جریان استصحاب کلی در اینجا از سوی مرحوم نائینی مطرح شده است که مرحوم امام آن را رد کرده اند.[[2]](#footnote-2)[[3]](#footnote-3)

پس استصحاب ضد حالت سابقه (استصحاب بقاء طهارت) در مثال بیان شده، بلا معارض جاری است.

این وجه، علاوه بر صورت مجهولی التاریخ (فرض اول) در مورد معلوم التاریخ مخالف با حالت معلومه (فرض دوم) نیز می آید. برای مثال اگر صبح محدث بوده است و در هنگام زوال وضو گرفته است و از طرفی هم می­داند که قبل یا بعد از وضو، خوابیده است، استصحاب بقاء طهارت، بدون معارض جاری است.

###### فرض معلوم التاریخ موافق با حالت سابقه معلومه

مرحوم امام در ادامه وارد قسم سوم شده اند که حالت معلوم التاریخ، موافق حالت معلوم سابق بر حالتین است. مثلا صبح، محدث بود است و هنگام زوال هم حدثی سر زده است و از طرفی هم علم به تحقق وضو در زمان قبل یا بعد از زوال دارد. ایشان در این قسم، قائل به جریان استصحاب معارض شده اند؛ یعنی استصحاب ضد حالت سابقه معلومه با استصحاب حالت سابقه معلومه، تعارض می کند.

ایشان برای اثبات جریان استصحاب معارض، باید دو تقریب بیان شده در رد استصحاب معارض را رد کند. بیان اول، انحلال علم اجمالی و بیان دوم، بطلان استصحاب فرد و کلی بود.

اما بیان اول (انحلال حکمی علم اجمالی به علم تفصیلی و شک بدوی) به این دلیل در این جا مانع جریان استصحاب معارض نمی باشد که در زمان تحقق خواب دوم که زوال باشد، یقین به کلی حدث وجود داشته و در زمان کنونی نیز، شک در بقاء آن کلی حدث وجود دارد. پس ارکان استصحاب در مورد کلی حدث، تمام است. این هم که تردد معلوم بالاجمال بین معلوم الارتفاع (حدث اول) و مشکوک الحدوث (حدث دوم) به عنوان مانع جریان استصحاب مطرح شود، درست نیست؛ چرا که این شبهه در تمام موارد استصحاب کلی قسم ثانی هم مطرح بوده و جواب داده شده است. پس بیان اول به این دلیل، در اینجا نمی آید که ما به دنبال استصحاب فرد نیستیم.

و اما بیان دوم (بطلان استصحاب فرد و کلی حدث) نیز به این دلیل در این جا نمی آید که اگر چه استصحاب فرد حدث، مردد بین مقطوع الارتفاع و مشکوک الحدوث است، لکن استصحاب کلی حدث هیچ مشکلی ندارد؛ چرا که از قبیل استصحاب کلی قسم ثالث (که در فرض دوم بود) نمی باشد، بلکه از قبیل استصحاب کلی قسم ثانی است.

پس ارکان استصحاب کلی حدث تمام است؛ چرا که اولا یقین سابق و شک لاحق در موردش هست و ثانیا اتصال زمان مشکوک (زمان کنونی) به زمان متیقن (زمان زوال) وجود دارد.

علم به حدث در هنگام زوال، علم به حدث کلی است، نه فرد؛ چرا که در صورت تخلل وضو بین این دو خواب، حدث در هنگام زوال ناشی از خواب دوم است و در صورت عدم تخلل وضو، حدث در هنگام زوال، ناشی از خواب اول است. (خواب بعد از خواب، حدثی تولید نمی کند.)

پس بیان اول و دوم در رد جریان استصحاب معارض، رد شد.

نکته: مرحوم روحانی[[4]](#footnote-4) در مقام، هم نظر با محقق حلی شده اند، لکن قائلند که بیان ها در عدم جریان استصحاب معارض، با هم فرق می کند. ایشان در مورد مجهول التاریخ و ضد حالت سابقه بیان انحلال را فرموده اند و اما در مورد وفق حالت سابقه، به خاطر اشکال عدم احراز اتصال زمان یقین به شک، استصحاب معارض را جاری ندانسته اند. برخی معاصرین در اضواء نیز همین مطلب را بیان کرده اند. ایشان اگر چه کلام مرحوم امام را رد کرده اند، ولی اصول کلامشان، تطابق با کلام مرحوم امام دارد.

1. جریان استصحابِ ضد حالت معلومه، مفروغ عنه است و بحث در جریان استصحابی معارض با این استصحاب است.مقرر [↑](#footnote-ref-1)
2. [تنقیح الاصول مرحوم امام، شیخ حسین تقوی اشتهاردی، ج4، ص216.](http://lib.eshia.ir/86707/4/216/المیرزا) [↑](#footnote-ref-2)
3. [تنقیح الاصول مرحوم امام، شیخ حسین تقوی اشتهاردی، ج4، ص217.](http://lib.eshia.ir/86707/4/217/توهم) [↑](#footnote-ref-3)
4. [منتقی الاصول، روحانی، ج6، ص277.](http://lib.eshia.ir/13050/6/277/انحلال) [↑](#footnote-ref-4)